

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: جهانگیر محبی

کیوان باژن

۰۷ دسمبر ۲۰۱۱

هوای آزاد

ادبیات و هنر

خصلت روشنفکری و توده‌ئی جنبش دانشجویی

یاد ۱۶ آذر را گرامی می‌داریم!



دانشگاه محل تبادل افکار؛ عقاید و شکل‌گیری اولیه‌ی آزاداندیشی است. انرژی مضاعف فکری که از گرد آمدن تعداد بی‌شماری از افراد طالب علم و معرفت؛ زیر عنوان دانشجو و با برقراری دیالوگ بین خود طی مدت کوتاهی به وجود می‌آید؛ می‌تواند به عنوان پتانسیلی ذخیره شده رها گردد و به تربیونی برای انتقاد از نابسامانی‌ها، چه در محدوده دانشگاه و چه فراتر از آن و در سطح جامعه تبدیل شود و از آن جا که این نیروی فکری عظیم؛ خصلتی روشنفکری دارد؛ لیکن به نوعی می‌تواند مرز خود را با دیگر تحرکات و نهادهای اجتماعی چون «کارگری»؛ به راحتی مشخص کند.

دانشجو در واقع در برخورد با آراء و نظرات گوناگون؛ خود را محک زده و به جمع بندی آن پرداخته تا زیربنای فکری خود را در این پروسه با عنصر آگاهی- البته با سرشتی دیالکتیکی- پی ریزی کند. حرکات و تحولات دانشجویان به طور کلی با همین روند است که به وجود می‌آید و البته اگر در همین جا متوقف شود؛ بی شک ناقص خواهد ماند.



آن چه را که زیر عنوان «جنبش های دانشجویی» می شناسیم؛ در دیدی کلی همین تعاملات و تبادل های فکری است که دانشجو را به عنوان یک روشنفکر به تفکر وای می دارد و باعث می شود تا به اقدام دست بزند.

آن چه اما؛ این جنبش را برجسته و با ارزش می کند؛ خاستگاه طبقاتی آن است. می دانیم دانشجویان به هر حال نماینده طبقات و اقشار مختلف جامعه اند. از این رو به راحتی با «مردم» مرتبط می شوند. به عبارتی دیگر جنبش دانشجویی با دو خصلت مکمل آمیخته و تعریف می شود. از یک سو خصلتی روشنفکری و از سوی دیگر توده نی. هرگونه دیدگاهی که منجر به جدائی این دو مقوله گردد بی راهه بوده و باعث عقیم ماندن جنبش می شود.



دانشجو به هر ترتیب؛ طلایه دار جریان روشنفکری جامعه خویش است. از این رو باید با مسایل اقتصادی؛ سیاسی؛ فرهنگی و اجتماعی «مردم» نه تنها؛ هم سو شده بلکه ارتباط بگیرد تا با تریبونی که دارد بتواند ارایه دهنده مطالبات مردمی بوده؛ خواستار حل مشکلات شان باشد. درست همین جا است که می گوئیم اگر این جنبش نتواند خود را از محدوده چهار دیواری دانشگاه بیرون بکشد؛ آن گاه با عقیم ماندن خصلت توده نی اش در واقع نه تنها نمی تواند به وظیفه اش به درستی عمل کند بلکه تنها؛ کاری صنفی و گاه به شدت تقلیل گرایانه انجام داده است.

اما باید خاطرنشان کرد محدود کردن این جنبش اجتماعی به مسایل صنفی؛ ظلمی است که به آن می شود. چرا که جنبش دانشجویی؛ روپائی از حرکت های توده نی است و ماهیتی اجتماعی دارد و همانند هر جنبش اجتماعی دیگری مثل جنبش های کارگری؛ جنبش های رهایی بخش جهان سوم؛ جنبش های ضد امپریالیستی و ضد استعماری و یا جدیدترین ها شان جنبش زنان؛ سبز یا صلح؛ حامل اصلی مطالبات مردم است و به همان اندازه و گاه بیش تر می تواند و اجازه دارد رادیکال باشد. مردمی بودن جنبش نیز؛ این انتظار را برمی تابد که تریبون دانشجویان به وظیفه خود در همه ابعاد اقتصادی از یک سو و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر عمل کند و تنها به این ترتیب است که می تواند رشته صمیمی خود را با مردم محکم تر نماید.

با نگاهی به تاریخچه جنبش دانشجویی ایران؛ به راحتی می توان دید که در طول این تاریخ البته جوان؛ توانسته از خواست های صرفا صنفی خود فراتر رفته و به مطالبات مردمی توجه نشان داده و به این ترتیب از حیثیت این جنبش دفاع کند که از این میان به جز حرکت دانشجویی «۱۶ آذر ۳۲» که به نوعی آغازین جنبش های دانشجویان ایران نیز محسوب می شود؛ می توان و باید به «۱۸ تیر ۷۸» اشاره کرد.



اعتراض دانشجویان به سفر «نیکسون» و سیاست های توسعه طلبانه امریکا به خصوص بیتنام خود؛ نشان دهنده آگاهی سیاسی دانشجویان بود که در جریان آن ؛ سه تن از شیرآهن کوه مردان ایران جان باختند و با خون خود لکه ننگین دیگری را به دامان شاه و عاملانش باقی گذاشتند.

در این میان اما؛ آن چه که در «۱۸ تیر ۷۸» اتفاق افتاد - و با گرامی داشت همه رشادت ها و جان بازی های شرکت کنندگانش- البته که تنها کاری صنفی نبود؛ بل از آن جا که خصلتی مردمی پیدا کرد به خوبی توانست فصلی جدید و رو به رشدی را برای تاریخچه جنبش دانشجویی رقم بزند و آن را از نظر کیفی رو به جلو ببرد.

این نکته را هم باید خاطر نشان کرد که گاه حرکت و تحول فکری دانشجویان به عنوان قشر روشنفکر؛ باعث می شود اقدامات شان خودجوش و ناخودآگاه باشد و در شرایطی خاص خود را نشان دهد که این مسأله باعث شده تا حرکت دانشجویان به نوعی آشوب و هرج و مرج تعبیر شود و آن ها با اتهاماتی از سوی برخی کوتاه نظران مواجه شوند. لیکن کسانی که آن را هرج و مرج می پندارند در اشتباه اند و به واقع یا از چگونگی آن چیزی نمی دانند و یا از چنین اقدامی وحشت دارند و به این ترتیب خواستار مرعوب کردن آن اند و به این منظور به اعمال شدیدترین سرکوب ها می پردازند که به هر ترتیب ممکن است گاه اجازه رشد و بلوغ سیاسی را از آن سلب کند و یا به تعویق بیندازد. اما چیزی که هست- و اتفاقا مهم هم هست- پی بردن به نقش دانشجویان و موضع گیری فعال در قبال مسایل پیرامونی و تأکید هرچه بیش تر در انتقاد از گذشته شان است که با هیچ فشاری از جانب هیچ حکومتی از بین نمی رود.



دانشجویان اما؛ اگر خواستار آن اند که از فشار این اتهامات و اعمال چنین سرکوب هائی رهائی یابند؛ چاره ای ندارند جز این که هرچه سریع تر علی رغم همه فراز و فرودها؛ علی رغم همه سرکوب ها برای درهم شکستن و یا حداقل ناامید کردن این حرکت جمعی؛ به اعتلای فکری خویش پرداخته؛ با دو عنصر «آگاهی» و «جسارت» از درون؛ به نقد خود پرداخته و مسیر آینده را هرچه بهتر هموار کنند. به این ترتیب می توان هر چه بیش تر امیدوار بود تا اندیشه های سرخ دانشجویان- با نقدی به شدت بی رحمانه و رادیکال از عملکرد گذشته شان برای ساخت فردا- حرکت های پرثمرتری را رقم بزنند!...

+ نوشته شده در سه شنبه شانزدهم آذر ۱۳۸۹ ساعت ۰:۳۵ توسط کیوان باژن

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

انترناسیونال است؛ نجات انسانها

صلح اعتراف آشکار به حقیقت است